



علم الهدی: هر چه گفتیم موسوی به خارج وصل است باور نکردند

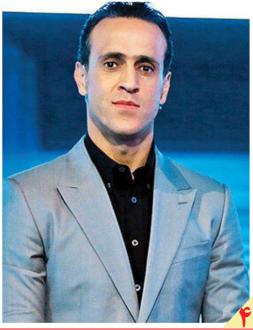
واکنش آئمه جمعه به یادداشت میر حسین

شنبه ۲۹ مرداد ۱۴۰۱ - ۲۲ محرم ۱۴۴۴ - ۲۰ آگوست ۲۰۲۲

شهدا

روزنامه

روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران



انتقاد به ادبیات تند روحانی اینستاگرامی ادامه دارد

حمایت چهره‌ها از علی کریمی

سال هفتم - شماره ۲۰۰۰ - ۸ صفحه - قیمت ۲۰۰۰ تومان

سرمقاله

چند ملاحظه در ماجرای روحانی تندخوی و علی کریمی



ولی‌الله شجاع پوریان
مدیرمسئول

چالش و مجادله مجازی علی کریمی، ستاره فوتبالی ایران با یکی از روحانیون با واکنش‌های متفاوتی در جامعه مواجه شد. ماجرا از این قرار است که علی کریمی با انتشار مطلبی در اینستاگرام به شیوه هزینه کردن نذورات انتقادی وارد کرد. حامد رضا معاونیان در قامت یک روحانی هم بر سر منبر با شدیدترین تعابیر به این موضع علی کریمی واکنش نشان داد. این مجادله از چند منظر محل بحث و تبیین است:

ادامه در همین صفحه



گزارش همدلی از آبادان شهری که با فاجعه عجین است

روایت دو شاهد عینی

از فاجعه «سینمار کس»

یادداشت

نامه‌ای به آقای ماکیاولی (۴)



علی مندنی‌پور
وکیل دادگستری

جناب ماکیاولی! اگر چه انگشت نمای خاص و علمی، اما در میدان عمل تا دلت بخواهد پیرون و پر تعدادی داری و به تمامی فرمان‌ها، دستورها و توصیه‌های تو در جایگاه استاد اعظم گوش فراده و چونان میراث‌خسوری حریص و در نهایت وسواس به بند بند آموزه‌های شما عمل می‌کنند. شگفت آنکه بی‌کم‌وکاست دوستداران، پیروان و شاگردان پروپاقرصان «به مکتب برفته» خود «مسئله‌آموز صد مدرس» شده‌اند و بی‌آنکه رساله‌ات را دیده و یا احیانا خوانده باشند، تک‌تک توصیه‌هایت از بزند و به گونه‌های هنرمندانه و بی‌عیب و نقص در مسیر زندگی و با هدف رسیدن به اهداف خویش به کار می‌بندند! و الحق که این رهنمودها برای پیروان راستین چه نتایج شیرینی که نداشته و چه کار بستن آموزه‌های چه نسام و نانی که برای هواخواهان سینچاک تو فراهم نکرده است! شاید ندانی که در کشور من، کسان بسیاری همه صفحات کتاب سیاست روزی را در راستای مصالح و منافع خود، دوستان و باند و محفل خود تفسیر و تعبیر نموده و در آنچه به سیاست و سیاست‌ورزی مربوط می‌شود، بدون روردریستی دست تو را بان همه شهرت و اذعا از پشت بسته‌اند. موجوداتی غالباً دوزیست که اگر شرایطش فراهم شود، توانی ذاتی برای تبدیل شدن به موجودی چند زیست از خود نشان می‌دهند. این جماعت در چشم به هم زنی رنگ عوض می‌کند، شاید باورزش برایت چندان راحت نباشد، اعضای خانواده‌های را می‌شناسم که در یک تقسیم‌کار خانوادگی برنامه‌ریزی شده‌از سه دلوطلب نمایندگی مجلس هم‌زمان حمایت می‌کنند عادت‌ی که آرام‌آرام دارد پیکره جامعه را فرا گرفته و در انتخابات گوناگون کاربرد پیدا کرده است. از دید اینان، سیاست یعنی همین و لغیرا این افسراد از انجام چنین «بند بازی» به «زرتگی» یاد می‌کنند و به ریش هر کس که در مرادوات خود اندکی اخلاق به کار بزد، می‌خندند. نیکوگوی عزیزا یک کمی حوصله داشته باش تا پرده کوچکی از نبوغ و خلاقیت این جماعت همه‌چیزدان، اما در عین حال، هیچ نخسوان و پرمدعا را در یک نمایش تعامرنگی و در تناثری به وسعت ایران برایت رونمائی کنم. «هدر سه سیاست» باز کرده‌ایم و شاگردان و دست پروردگان بسیاری در علم سیاست و کشورداری برآوردند.ایم.

ادامه در صفحه ۵

یادداشت‌هایی به مناسبت ۲۸ مرداد

قیام ملی یا کودتای خارجی؟

* چه کسی کودتا کرد؛ شاه یا مصدق؟ / رسول اسدزاده

* مصدق چگونه مات شد؟ / عباس امام * قیام ملی؛ روایتی ناقص از

یک کودتا / رضا صدیقیان * مصدق چقدر مقصر بود؟ / جهانگیر ایزدپناه

* گذشته نفت، چراغ آ آینده هسته‌ای / مسعود نادری



ادامه سرمقاله

چند ملاحظه در ماجرای روحانی تندخو و علی کریمی

۱- به نظر می‌رسد بخشی از روحانیت در چند دهه اخیر با برداشتی ناصحیح از مبانی دینی، خود را متولی، مالک و صاحب دین می‌داند و از موضع مالکیت و صاحب‌اختیاری مطلق با دین‌داران و منتقدان شیوه دین‌داری رفتار کرده و آنان را قضاوت می‌کنند و هر جا تشخیص دادند که گفتار یا رفتار کسی با سنججهایی که آنان تعیین می‌کنند - وعهدتا هم سلیقه‌ای است - سازگار نیست به تکفیر و تفسیق طرف مقابل می‌پردازند. اگر بگوییم همین احساس خودمالک‌پنداری و خودحق‌پنداری در چند دهه اخیر باعث بیشترین دین‌گریزی در میان جوانان جامعه شده، پریبراه نگفته‌ایم. جامعه ایران قرن‌هاست که رنگ و بوی دینی و اسلامی دارد اما در هیچ دوره تاریخی تا این اندازه دین‌گریزی آن محسوس نبوده است. پس از ورود اسلام به ایران و فراگیر شدن آن، روحانیت مستقل و آزادی‌خواه همیشه در کنار مردم و صدای آنان بودند، اما شوربخانه این روزها گویی گروهی از روحانیون با آشکار و زبانیار با مردمی می‌بینند که نمی‌خواهند به همه منویات سلیقه‌ای روحانیت که در چند دهه اخیر رواج یافته و گاه دشوارترین قرائت از مذهب را اعمال می‌کنند، تن در دهند. بخشی از پیامدهای این گونه برخورد با مشایبه واکش برخی هم‌وطنان در فضای مجازی به مواضع برخی از روحانیون قابل تأمل است.

۲- علی کریمی نه به‌عنوان یک ستاره فوتبالی بلکه از جایگاه یک شهروند عادی هم این حق را دارد با نگاه نقادانه از فلسفه برخی مناسک دینی پرسشگری کند. بعید است قبیله پیدا شود که حتی رد برخی از مناسک فرعی مذهب مثل نذری دادن را مشمول تکفیر و مجازات بداند. حال چگونه است که یک روحانی که از قضا به‌واسطه شأن و جایگاه دینی خود باید تبلور اسلام و اخلاق و مبلغ عملی سیره و سنت نبوی باشد، با ادبیاتی سخیف نسبت به یک انتقاد واکنش نشان می‌دهد؟

۳- توقع جامعه از روحانیت، تبیین، تشریح و تئور مسائل دینی و حتی اجتماعی و سیاسی است و نه تهدید و تحریف و تکفیر! اگر این روحانی به‌جای حمله به پرسش یک شهروند با مراجعه به آموزه‌های دینی و مبانی فقهی این موضوع را واکاوی می‌کرد، نتیجه بهتری داشت، یا اکنون که موضع این فوتبالیست با بیشترین تأیید از سوی مردم در صفحه مجازی‌اش مواجه شده است؟ چرا برخی روحانیون ملزومات جامعه مدرن را درک نکرده و با رفتارهای اشتباه خویش زمینه تخریب دین و دین‌گریزی نسل جوان را فراهم می‌کنند؟ مصیبت‌بارترین که این رفتارها به‌حساب دین و آیینی گذاشته شود که رویکرد کتاب و پیامبر و امامان آن در مواجهه با مخالفان آکنده از حکمت، جدال احسن، گفتگوی نرم و مهربانه و سرفراز از مدار است.

ادامه در صفحه ۵

یادداشت

چه کسی کودتا کرد؛ شاه یا مصدق؟



رسول اسدزاده
روزنامه‌نگار

یک ویدیوی سیاه‌وسفید از مردانی که در یکی از خیابان‌های مرکزی تهران یک مرد تنها را زیر مشت و لگد گرفته‌اند. تفسیر خیابان، زدوخورد و تعیین سرنوشت سیاست در کشور؛ این‌ها خلاصه‌ای مهم از یک روز گرم تابستانی در هفتادسال پیش است که تبعات آن هنوز در کشور باقی است. گروهی اتفاقات آن روز را کودتا و گروهی دیگر قیام ملی می‌نامند. اگرچه در چند دهه گذشته به خاطر اولویت دشمنی جمهوری اسلامی با محمدرضا پهلوی روایت کودتا بودن این اتفاق پررنگ‌تر بوده است، اما در سال‌های اخیر بموازات مخالفت با جمهوری اسلامی برخی صداهای دیگر نیز بلندتر به گوش می‌رسد. روایتی که هواداران حکومت شاهنشاهی بیشتر مبلغ آن شده‌اند، اگرچه در میان این گروه، کسانی هستند که ادعای بی‌طرفی نیز دارند:

ادامه در صفحه ۵

یادداشت

مصدق چگونه مات شد؟



عباس امام
مدرس دانشگاه

در ۶۹ سالی که از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و برکناری دکتر مصدق از نخست‌وزیری ایران می‌گذرد تا کنون صدها کتاب و هزاران مقاله (به زبان‌های گوناگون) در آن زمینه نوشته و منتشر شده است. علاوه بر این‌ها هزاران سخنرانی و مصاحبه تحلیلی، از سوی تحلیلگران داخلی و خارجی در بررسی و کندوکاو آن ماجرای تاریخی دوران‌ساز و تأثیرگذار ارائه شده است، و این روند پیروان ریشه‌یابی آن ماجرا همچنان ادامه دارد. واقعیت این است که روایت رایج و مسلط و در عین حال ساده‌سازی شده در کشور به این مضمون است که آمریکا، انگلیس و دربار علیه دکتر مصدق دسیسه کردند و دولت وی را برانداختند؛ اما نگارنده با قبول کلیات این فرض، قضیه را پیچیده‌تر از این ساده‌سازی‌ها می‌نامم. من در تحلیل آن ماجرا در حد فضای بسیار اندک روزنامه‌همدلی به نکته‌ای اشاره خواهم کرد که احتمالاً تا کنون به این صورت مطرح نشده است. **ادامه در صفحه ۵**

ادامه در صفحه ۵

یادداشت

گذشته نفت، چراغ آینده هسته‌ای



مسعود نادری
فعال اجتماعی

«اگر کسی یکبار مرا فریب داد شرم بر او باد و اگر کسی دو بار مرا فریب داد شرم بر من باد.» (منسوب به مارتین لوتر کینگ)

۱- کودتا پایان‌بخش نهضت ملی شدن نفت بود که از خرداد ۱۳۳۰ شروع شده بود. در تاریخ ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ با کودتایی انگلیسی - آمریکایی، همراه با اسقوط مصدق، نهضت ملی شدن نفت هم ناکام ماند. کودتا هم به شکلی بود که باینکه طراحان آن قرار کرده‌اند هنوز کسانی آن را کودتا نمی‌دانند و شگفت‌تر آنکه برخی واقع‌های را که نه قیام بود و نه شاه در آن حضور جدی به‌عنوان طراح داشت و نه ملت حضور داشت را «قیام شاه و ملت» هم می‌خوانند. به‌نوشته آبراهامیان در کتاب «کودتا» در بی‌کودتای صنعت نفت ایران عملاً ملی‌زدایی شد و کنترل مدیریت نفت، مجدداً دست ما خارج شد. فرایند ملی شدن نفت را در جهان و به‌ویژه در خاورمیانه و شمال آفریقا دست‌کم تا دود دهه به تأخیر انداخت و همچنین دستیابی به دمکراسی را در ایران سخت‌تر و طولانی‌تر کرد. طراحان با درس‌گیری از انجام کودتای ۲۸ مرداد در ایران، کودتاهایی دیگری در کشورهای دیگر مانند شیلی، اندونزی، کواتمالا و... انجام دادند.

۲- یادآوری روزهای تلخ گذشته اگر صرفاً به جهت یادآوری باشد، فقط کاملاً را تلخ می‌کند و دیگر هیچ، اما اگر همراه با عبرت‌آموزی باشد، می‌ارزد که موقتاً تلخی کام را تحمل کنیم تا گذشته تاریک را تکرار نکنیم.

ادامه در صفحه ۵